



Studying the Social Context of Online Education

Farzad Dehghani Firoozabadi¹ | Seyed Alireza Afshani² | Abolfazl Sadeghian³ |
Alimohammad Mazidi Sharfabadi⁴

1. Department of Management, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Yazd Branch, Yazd, Iran.

E-mail: farzaddf@yahoo.com

2. Corresponding Author, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran .

E-mail: afshanalireza@yazd.ac.ir

3 Department of Management, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Yazd Branch, Yazd, Iran

E-mail: sadeghian@iauyazd.ac.ir

4. Department of Social Communication, Faculty of Humanities and Arts, Islamic Azad University, Meybod Branch, Meybod,

Iran E-mail: mazidi6@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 06 May 2024

Received in revised form: 05
September 2024

Accepted: 29 October 2024

Published online: 10
December 2024

Keywords:

Purposeful Organization,
Educational Actions,
Decentralization in
Education, Social Accept,
Yazd.

ABSTRACT

Online education is the link between education and technology and is considered one of the main axes of the transformation of society and education. The fundamental question of this research is: What social conditions and strategies does the formation of online education in the context of educational platforms require?

The methodology of this research is qualitative and grounded theory. The target group consisted of teachers from Yazd city (Iran), of whom 15 were selected for in-depth interviews through theoretical and targeted sampling. The interviews continued until theoretical saturation was reached. Based on the model of Strauss and Corbin, the data collected was analyzed in three stages: open coding, axial coding, and selective coding.

The research findings were presented in 15 main categories and 1 core category. The results indicate that the "purposeful organization of online education" is a central phenomenon that is influenced by a variety of factors, including age-oriented online education, purposeful action of individuals in the field of education, a diverse array of resources for the supply and demand of education, as well as a number of contextual and intervention factors.

This form of education necessitates strategies such as creativity and communication in education and online education competition, leading to decentralization in education and unboundedness in online education.

Cite this article: Dehghani Firoozabadi, F.; Afshani, S.A.; Sadeghian, A. & Mazidi Sharfabadi, A (2024). Studying the Social Context of the Development of Online Education, *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 13(4): 575-595. <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.373107.1489>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.373107.1489>

مطالعه زمینه‌های اجتماعی آموزش آنلاین

فرزاد دهقانی فیروزآبادی^۱ | سید علیرضا افشانی^۲ | ابوالفضل صادقیان^۳ | علی محمد مزیدی شرف‌آبادی^۴

۱. گروه مدیریت رسانه، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران. رایانامه: farzaddf@yahoo.com
۲. نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: afshanalireza@yazd.ac.ir
۳. گروه آموزشی مدیریت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران. رایانامه: sadeghian@iauyazd.ac.ir
۴. گروه ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، میبد، ایران. رایانامه: mazidi6@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

آموزش آنلاین حاصل پیوند میان آموزش و فناوری و یکی از محورهای اصلی تحول جامعه و آموزش محسوب می‌شود. در راستای این تحول، پرسش اساسی این است که شکل‌گیری آموزش آنلاین در بستر پلتفرم‌های آموزشی، مستلزم وجود چه شرایط اجتماعی‌ای است و چه راهبردهایی را طلب می‌کند؟

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

برای پاسخگویی به این پرسش، از روش‌شناسی کیفی و رویکرد نظریه داده‌بنیاد استفاده شد. جامعه هدف، معلمان و مدرسان شهر یزد بودند که با نمونه‌گیری نظری و هدفمند، ۱۵ نفر آن‌ها برای اخذ مصاحبه عمیق انتخاب شدند. فرایند نمونه‌گیری در این تحقیق تا مرحله اشباع اطلاعات ادامه یافت؛ به شکلی که مصاحبه جدید تأثیری در پیشبرد نظریه نهایی نداشت.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۱۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۹/۲۰

داده‌های جمع‌آوری شده در این تحقیق در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شدند. این تحلیل‌ها با تکیه بر چارچوب مفهومی جامعه‌شناسانه صورت گرفت و نتایج آن در قالب ۱۶ مقوله اصلی و یک مقوله هسته به همراه مدل پارادایمی خط داستان ارائه شد. یافته‌ها حاکی از آن بود که «سازمان‌دهی هدفمند آموزش آنلاین» به‌عنوان پدیده مرکزی به دنبال مجموعه‌ای از عواملی مانند تمرکززدایی مکانی و زمانی از آموزش، کنش هدفمند آموزشی افراد، سرمایه‌گذاری روی معلمان، سن محوری آموزش آنلاین، تکثر منابع عرضه و تقاضای آموزشی، مدیریت خصوصی اپ‌های آموزشی و پذیرش زمانمند آموزش آنلاین به همراه مجموعه‌ای از عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر ایجاد می‌شود. اجرای هدفمند آموزش آنلاین نیازمند راهبردهایی مانند خلاقیت و ارتباط در آموزش و رقابت آموزش آنلاین است که نتایجی مانند تمرکززدایی در آموزش، تکامل یافتن آموزش و نامحدودیت در آموزش آنلاین را به دنبال دارد. خط داستان و مدل پارادایمی درک بهتری از نتایج به‌دست می‌دهند.

کلیدواژه‌ها:

پذیرش اجتماعی، تمرکززدایی در آموزش، سازمان‌دهی هدفمند، کنش‌های آموزشی، یزد

استناد: دهقانی فیروزآبادی، فرزاد؛ افشانی، سیدعلیرضا؛ صادقیان، ابوالفضل و مزیدی شرف‌آبادی، علی‌محمد (۱۴۰۳). مطالعه زمینه‌های اجتماعی آموزش آنلاین، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۳(۴): ۵۷۵-۵۹۵. <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.373107.1489>

فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۳(۴): ۵۷۵-۵۹۵. <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.373107.1489>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.373107.1489>

۱. مقدمه و بیان مسئله

پس از همه‌گیری ویروسی کرونا، وقفه‌ای اساسی در آموزش عالی ایجاد شد. این امر سبب شد بسیاری از سیستم‌های آموزشی به دنبال نسخه‌ای بدیل برای سازمان‌دهی مجدد نظام آموزشی خود باشند. این فرایند اگرچه چالش‌برانگیز بود، اما فرایندهای پویایی را در درون خود داشت؛ به‌گونه‌ای که سیستم‌های آموزشی در سراسر جهان مجبور به تغییر الگوی خود آموزش و یادگیری خود شدند (آزورین و فولان^۱، ۲۰۲۲: ۱۳۲). در فرایند تغییر الگوهای سنتی آموزش، یک قلمرو آموزشی جدید و متمایز به نام آموزش آنلاین با تمامی امکانات بالقوه و بالفعل آن ایجاد شد (آلسوبی^۲، ۲۰۲۳: ۳۲۳) که حاصل پیوند میان آموزش و فناوری بود و یکی از محورهای اصلی تحول جامعه و آموزشی محسوب می‌شد (مرتاغ و همکاران^۳، ۲۰۲۳: ۳۶۹). این نوع آموزش در بدو شکل‌گیری پویایی‌های خود را نشان داد و به‌عنوان یکی از روش‌های اصلی آموزش و یادگیری معرفی شد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت از حالت‌های سنتی آموزش پیشی گرفته است.

آموزش آنلاین برای طیف وسیعی از یادگیرندگان جذاب است و در محیط‌هایی از مدارس ابتدایی تا دبیرستان و تحصیلات دانشگاهی رایج شده است (گیلبرت^۴، ۲۰۱۵: ۳). در این معنا آموزش مذکور برای دانشجویان قابل‌دسترس، کم‌هزینه و باکیفیت است، برای معلمان و مربیان امکان ارائه دوره‌های آموزشی مستقل را فراهم آورده است و برای مؤسسات آموزشی شرایط جدیدی برای سرمایه‌گذاری ایجاد کرده است (مانی و دین^۵، ۲۰۱۹: ۵۸). پیشرفت‌های فناوری اخیر، به همراه افزایش پهنای باند اینترنت، استفاده از سخت‌افزار ویدیویی مانند وب‌کم‌ها و میکروفون‌ها، سازمان‌دهی یادگیری و یاددهی آنلاین را به شیوه‌ای متفاوت از طریق کلاس‌های آنلاین هم‌زمان، امکان‌پذیر کرده است. در چنین محیط‌هایی، دانش‌آموزان و معلمان از طریق نرم‌افزارهای کنفرانسی که شامل ویدیو، صدا و پیام‌رسانی فوری است، به‌صورت بلادرنگ با یکدیگر تعامل دارند (گرامنس و همکاران^۶، ۲۰۲۲: ۲).

علی‌رغم تقاضای فزاینده برای گنجاندن آموزش آنلاین در بطن نظام آموزش رسمی کشورها می‌بینیم که آموزش آنلاین راه‌حل نهایی برای مشکلات آموزشی ما نیست (کینگ^۷، ۲۰۰۲: ۲۳۱). چیزی که نیاز به تأکید دارد این است که آموزش آنلاین کاملاً علیه دانش‌آموزانی که نمی‌توانند ابزارهای ضروری برای آموزش آنلاین را تهیه کنند، عمل می‌کند. در کشورهای درحال توسعه و جوامعی که استانداردهای پایینی دارند، بسیاری از دانش‌آموزان نمی‌توانند یک اتصال اینترنتی قوی یا ابزارهای حیاتی برای یادگیری آنلاین داشته باشند (خزاعی‌نژاد و یساری زارع^۸، ۲۰۲۳: ۳). در این معنا می‌توان به عواملی اشاره کرد که شرایط و امکان شکل‌گیری آموزش آنلاین را محدود می‌کنند. در این میان، دسترسی ضعیف به اینترنت در مدارس، دانشگاه‌ها و مناطق مسکونی، هزینه بسته‌های اینترنت، امکانات فنی و نگرش دانش‌آموزان برجسته می‌شود. برای رسیدگی به آن‌ها، زیرساخت‌های موجود باید ارتقا یابد تا اثربخشی یادگیری آنلاین برای دانش‌آموزان افزایش پیدا کند. مطالعات نشان می‌دهد مشکلات دسترسی به اینترنت، نبود تعامل بین معلمان و دانش‌آموزان و نبود امکانات فنی، کارایی یادگیری آنلاین را به چالش می‌کشد (عدنان و انوار^۹، ۲۰۲۰: ۴۸). این تحقیقات همچنین

1. Azorín & Fullan
2. Alsubaie
3. Murtagh et al.
4. Gilbert
5. Money & Dean
6. Grammens
7. King
8. Khazaenezhad & Yasari Zare
9. Adnan & Anwar

بیان می‌کنند زیرساخت ضعیف توانایی دانش‌آموزان برای دسترسی به اینترنت را محدود می‌کند (نجیب و همکاران^۱، ۲۰۱۷: ۷۹). در این میان مربیان و دانش‌آموزان باید تلاش کنند تا دانش تکنولوژیک خود را افزایش دهند تا آموزش خود را به‌طور مؤثر مدیریت کنند. این امر به‌ویژه به‌عنوان بخشی از یادگیری رویکردهای فناوری جدید در آموزش اهمیت دارد (بصر و همکاران^۲، ۲۰۲۱: ۱۲۱).

درعین‌حال باید توجه داشت که دسترسی به آموزش آنلاین به‌خصوص از طریق پلتفرم‌های جدید آموزشی مستلزم فراهم‌شدن شرایطی در ابعاد «آموزشی»، «فناوری»، «سازمانی» و «اجتماعی» است. بعد آموزشی به میزان کاربرد اصول آموزشی در طراحی و اجرای برنامه‌های درسی آنلاین اشاره دارد، بعد فناورانه بر عرضه و به‌روزرسانی نرم‌افزار، سخت‌افزار، اتصال، امنیت، انعطاف‌پذیری سیستم، مهارت‌های فنی و پشتیبانی، فضای ابری و مرکز داده متمرکز است، بعد سازمانی به سیاست‌ها، راهبردها، برنامه‌ها، هماهنگی بین‌بخشی، بودجه‌بندی، ایجاد ساختارها و سیستم‌های مورد نیاز برای توسعه محتوا، توسعه فناوری، آموزش معلمان و آماده‌سازی دانش‌آموزان اشاره دارد و نهایتاً بعد اجتماعی بر باورهای کلان اجتماعی، فرهنگ عمومی جامعه، ساختارهای اقتصادی، پیشینه فرهنگی و نقش نهادها، خانواده‌ها و هم‌تایان در اثربخشی فناوری اطلاعات و نحوه استفاده از آن متمرکز است (سراجی و همکاران^۳، ۲۰۲۱: ۱۶). به اعتبار این نوع مفهوم‌پردازی، باید در نظر داشت که برنامه‌ریزی برای توسعه آموزش آنلاین مستلزم در نظر داشتن شرایط و امکاناتی در سطوح خرد و کلان است. این موضوع در کشورهای در حال توسعه به‌طور مسئله‌مندتر خود را آشکار می‌سازد و اهمیت بررسی آن را به‌طور علمی گوشزد می‌کند. به همین دلیل به‌طور خاص باید مفهوم‌پردازی پیش‌گفته را در چارچوبی مکانی در نظر گرفت تا هدفمندی آن نیز روشن شود. در ایران برنامه‌های زیادی برای توسعه آموزش آنلاین اجرا شده است، اما نبود زیرساخت‌ها در برخی مناطق به‌ویژه روستاها و همچنین پایین‌بودن سطح درآمد برخی اقشار به‌ویژه در حاشیه شهرها موجب شد این چرخه آموزشی کامل نشود (هاشم‌نیا و همکاران^۴، ۲۰۲۱: ۳۲-۳۳) و این موضوع همواره به‌عنوان یک امر پارالماتیک خود را نشان دهد. با وجود این، توسعه موفقیت‌آمیز آموزش آنلاین از طریق پلتفرم‌های آموزشی صرفاً وابسته به توسعه زیرساخت‌ها نیست و به سطوح روابط آموزشی، حتی سازمان‌دهی مطلوب کلاس، روابط و تعاملات کلاسی، نگرش خانواده‌ها، آموزش معلمان و... نیز ارجاع دارد. به همین دلیل در تحقیق حاضر تلاش می‌شود با استفاده از رویکرد نظریه زمینه‌ای در قالب پارادایم تفسیری و روش‌شناسی کیفی و با تکیه بر نظرات معلمان و مربیان آموزشی شهر یزد، شرایط و امکان شکل‌گیری آموزش آنلاین از طریق پلتفرم‌های آموزشی مورد واکاوی قرار گیرد و راهبردهای متناسب با این نوع از آموزش کاوش شود؛ بنابراین با توجه به هدف پژوهشی در نظر گرفته‌شده، سؤال اساسی این پژوهش بدین‌گونه طراحی شد که شکل‌گیری آموزش آنلاین در بستر پلتفرم‌های آموزشی، مستلزم وجود چه شرایط اجتماعی‌ای است و چه راهبردهایی را طلب می‌کند.

۲. چارچوب مفهومی

عمدتاً در تحقیقات کیفی، حساسیت‌داشتن به این معناست که درمورد آنچه داده‌ها گزارش می‌کنند بصیر بود و بتوان به آنچه در دل داده‌ها دریافت می‌شود معنا داد؛ یعنی بتوان ورای ظواهر، چیزهای نو مشاهده کرد. در این راستا غوطه‌ورشدن در تحلیل به روشن‌شدن ناگهانی ذهن منجر می‌شود. به این ترتیب نظریه‌هایی که در ذهن داریم تحقیق ما را به روش‌های گوناگون تحت تأثیر قرار می‌دهند.

1. Najib et al.
2. Basar et al.
3. Seraji et al.
4. Hashemnia et al.

در این راستا با یک ذهن باز وارد میدان تحلیل می‌شویم. به همین دلیل برای تحلیل داده‌ها باید از دانش موجود استفاده کنیم (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۷: ۶۷). به عبارت ساده‌تر در یک تحقیق کیفی مبتنی بر رویکرد داده‌بنیاد، پژوهشگر به دانش انباشته نیاز خواهد داشت. به همین دلیل حساسیت حاکم بر تحقیق حاضر علاوه بر تجربه حرفه‌ای پژوهشگران در میدان تحقیق، مبتنی بر نظریاتی مانند ماکس وبر^۱، آری راسل هاکشیلد^۲، اورت راجرز^۳، آنتونی گیدنز^۴ و رندل کالینز^۵ خواهد بود.

و بر در بخشی از نظریه خود، به کنش عقلانی معطوف به هدف اشاره می‌کند، این کنش بر این اساس تعریف می‌شود که فاعل کنش هدفی روشن را در نظر دارد و همه وسایل را برای رسیدن به آن با هم به کار می‌گیرد. در نظر وبر آنچه مهم و واجد ارزش است، فهم کنش خواهد بود. در این معنا کنش عقلانی معطوف به هدف بر اساس تعریف فاعل کنش از هدف روشنی که در ذهن دارد، روشن می‌شود (آرون، ۱۳۹۰: ۵۶۶). به این ترتیب کنش عقلانی این است که پس از تعمق لازم تصمیمی اتخاذ شود که برای رسیدن به هدف مورد نظر متضمن بیشترین اقبال باشد (وبر، ۱۳۹۰: ۱۵). بر این اساس می‌توان توسعه آموزش آنلاین را بخشی از هدفمندی کنشگرانی مانند معلمان و دانش‌آموزان تلقی کرد که بر اساس اهداف خود در بستر پلتفرم‌های آموزشی به تحصیل می‌پردازند؛ بنابراین هدفمند بودن کنش‌های آموزشی مدرسان و محصلان در این بستر به‌طور مستقیم وابسته به ابزارهای آنلاین است. به همین دلیل می‌توان بخشی از شرایط و امکان شکل‌گیری آموزش آنلاین را در نسبت با کنشگری افراد فهم کرد. در این معنا محدودیت‌های شکل‌گرفته بر سر راه آموزش حضوری، افراد را برای رسیدن به اهداف آموزشی به‌سوی آموزش آنلاین سوق خواهد داد. نتیجه‌مند بودن این آموزش در این صورت‌بندی هدفمند، کاملاً متکی به فهم کنشگران از ابزارها و اهداف ذهنی آن‌ها است. به همین دلیل نمی‌توان توسعه آموزش آنلاین را جدا از کنش‌های هدفمند افراد در نظر گرفت.

هاکشیلد در کتاب *قلب‌های کوچک‌شده*^۶ با مطرح کردن کار عاطفی، فرایندهای ورود عواطف در کار را بررسی کرد. او با به‌میان آوردن مسئله کار عاطفی از «شیء‌شدگی» احساسات و عواطف انسانی سخن گفت. در نظر وی کار عاطفی به‌عنوان مدیریت احساسات با حرکات قابل‌مشاهده صورت و بدن و تلاش افراد برای تأثیرگذاری بیشتر تعریف می‌شود (هاکشیلد، ۱۹۸۳). به نظر او وقتی کار عاطفی در راستای انجام شغل قرار گیرد، اتفاقی که خواهد افتاد این است که آن کار، از حالت طبیعی خود خارج می‌شود و به «نیروی کار عاطفی» تبدیل می‌شود. نیرویی که در کنار سایر نیروها باید در راستای انجام وظیفه استفاده شود؛ بنابراین اگر کارگر صنعتی مارکس تنها مجبور بود نیروی فیزیکی و روانی خود را در خدمت سرمایه‌دار قرار دهد، کارگر خدماتی هاکشیلد نیروی احساسی خود را نیز باید به گونه قبلی اضافه کند. به این ترتیب در نظر هاکشیلد در کار احساسی «لبخندها، ژست‌ها، احساسات و روابط افراد به محصولاتی تبدیل شده‌اند که بیش از آنکه به صاحبانشان تعلق داشته باشد، متعلق به کارفرمایان است» (کیان‌پور، ۱۳۹۱: ۲۷-۲۸). در فرایند توسعه آموزش آنلاین نیز نمی‌توان ورود عواطف را به بسترهای آموزشی ندیده گرفت؛ زیرا یکی از الزامات اساسی در تشکیل کلاس‌های پویا است. در این بستر، هرگونه ارتباط دوستانه با دانش‌آموزان و محصلان منوط به وارد کردن عواطف به فرایند کاری است. اگر ورود عواطف در آموزش رودررو بی‌واسطه صورت می‌گرفت، ورود عواطف به آموزش آنلاین به‌واسطه و میانجی ابزارها و

1. Max Weber
2. Arlie Russell Hochschild
3. Everett Rogers
4. Anthony Giddens
5. Randall Collins
6. The managed heart

پلتفرم‌های آنلاین صورت می‌گیرد. در این معنا می‌توان شرایط توسعه آموزش آنلاین را منوط به کنشگری افراد و پذیرش درونی این نوع از آموزش به‌عنوان نسخه مکمل و حتی بدیل آموزش رودررو دانست.

انتشار نوآوری، فرایندی است که نوآوری از طریق کانال‌های ارتباطی خاصی و طی یک دوره زمانی به اعضای یک نظام اجتماعی منتقل می‌شود. این نوآوری می‌تواند هر ایده، پروژه یا رویکردی باشد که از دید افرادی که از آن استفاده می‌کنند تازه و نو جلوه کند (حسینی‌خواه، ۱۳۸۷: ۱۵۴). نظریه انتشار نوآوری اورت راجرز در ابتدا بر اهداف آموزشی متمرکز نبود، اما اخیراً در زمینه آموزشی مورد توجه محققان قرار گرفته است. این نظریه به‌صورت کلی پنج مؤلفه اساسی دارد: ۱. مزیت نسبی: مزیت نسبی درمورد سطح مزیت نوآوری فعلی است؛ بنابراین در این مطالعه می‌توان به این موضوع اشاره کرد که توسعه اپلیکیشن‌های آموزشی و همچنین توسعه آموزش آنلاین به‌صورت کلی چه مزیت‌هایی داشته است؛ ۲. سازگاری ادراک‌شده: واژه سازگاری به دیدگاه افراد درمورد نوآوری‌های خاص مطابق با ارزش‌ها، نظرات و الزامات موجود اشاره دارد. در این مطالعه، سازگاری ادراک‌شده نشان‌دهنده همسبودن آموزش آنلاین با نیازهای اجتماعی و الزامات آموزشی درک شده است؛ ۳. پیچیدگی ادراک‌شده: اصطلاح پیچیدگی میزانی است که کاربران زمان و تلاش خود را برای درک استفاده از یک نوآوری خاص اختصاص می‌دهند. در این مطالعه پیچیدگی می‌تواند اشاره‌ای به چگونگی درک آموزش آنلاین و مواجهه با مشکلات پلتفرم‌های آموزشی توسط معلمان و دانش‌آموزان باشد؛ ۴. مشاهده‌پذیری: مشاهده‌پذیری نشان‌دهنده میزان قابل مشاهده بودن نتایج نوآوری برای دیگران است. نتایج مثبت آموزش آنلاین به دنبال توسعه آن نیز باید قابل مشاهده باشد تا توسعه این نوع آموزش تداوم‌دار باشد؛ ۵. آزمایش‌پذیری: توانایی کاربران در کار با نوآوری جدید و آزمایش آن است. هرچه فرصت برای امتحان نوآوری خاص بیشتر باشد، جذابیت بیشتری از سوی کاربر خواهد داشت (رحیمی، ۲۰۲۲: ۱۱۴).

گیدنز علاوه بر بازاندیشی برای نوگرایی دو ویژگی در نظر می‌گیرد: اول فاصله‌گیری و دوم ازجاکنندگی. ویژگی اول جدایی زمان و مکان است. در جوامع ماقبل نوین، زمان همیشه در پیوند با مکان بود و اندازه‌گیری زمان دقیق نبود. با استقرار نوگرایی زمان معیار پیدا کرد و پیوند نزدیک میان زمان و مکان از هم گسیخته شد. در جوامع ماقبل مدرن، مکان نیز خصلتی مادی داشت و با فرارسیدن نوگرایی مکان بیش از پیش از محل جدا شد. در این معنا برقراری روابط با کسانی که در فاصله‌ای بس دور از هم قرار گرفته‌اند، بیش از پیش امکان‌پذیر شد. در نظر گیدنز، زمان بیش از پیش حالت «جابه‌جاشونده» پیدا کرده است. ویژگی دوم ازجاکنندگی است که مستلزم جداشدن روابط اجتماعی از محیط‌های محلی کنش‌های متقابل و تجدید ساختار آن در راستای پهنه‌های زمانی-مکانی نامشخص است. دو نوع مکانیسم ازجاکنندگی وجود دارد. اول ازجاکنندگی نمادین که شناخته‌شده‌ترین آن پول است. پول فاصله‌گیری زمانی و مکانی را امکان‌پذیر می‌کند. بدین‌سان می‌توانیم با کسانی که در فاصله بسیار دور از ما قرار دارند، معاملاتی انجام دهیم. دومین نوع ازجاکنندگی نیز نظام‌های تخصصی هستند. در جوامع تحت تسلط، نظام‌های انتزاعی و فاصله‌گیری مکانی و زمانی اعتماد بسیار مهم است. نیاز به اعتماد با این فاصله‌گیری ارتباط دارد. در این معنا، دیگر نیاز نداریم به کسانی اعتماد کنیم که در معرض دید ما هستند و فعالیتشان را می‌توانیم مستقیماً بازنگری کنیم (ریتزر، ۱۳۹۴: ۲۴-۲۶).

کالینز توجه خود را به نظریه تضاد معطوف می‌کند، اما به‌جای تأکید بر مفاهیم پهن‌دامنه، از کنشگرانی صحبت می‌کند که با توجه به انرژی احساسی که از موقعیت‌های کنش متقابل نصیبشان می‌شود، برانگیخته می‌شوند و دست به کنش می‌زنند. او کار خود را از بررسی پدیده‌های سطح خرد شروع می‌کند و به‌سوی انواع سطح کلان حرکت می‌کند؛ چرا که به اعتقاد وی، پدیده‌های کلان چیزی بیش از تجمع کنش‌های متقابل خرد در بین کنشگران نیستند. او در یک تقسیم‌بندی، دو نوع احساس را از یکدیگر متمایز می‌کند. اول احساس موقتی مثل شادی و ترس و انرژی عاطفی که یک لحن احساسی بادوام است و در موقعیت‌های متفاوت از ثبات نسبی برخوردار است. این انرژی عبارت است از سطح بادوامی از اشتیاق و قدرت شخصی و معنایی از پیوستگی اجتماعی یا تمایل به

درگیر شدن در کنش متقابل. این نوع انرژی به دو شیوه قابل افزایش است: یا از طریق تجارب همبستگی مبتنی بر زنجیره کنش‌های متقابل آیینی یا از طریق انتقال در کنش‌های متقابل سلسله‌مراتبی؛ یعنی جایی که افراد قدرتمندتر در کنش متقابل، انرژی احساسی بیشتری به دست می‌آورند و افراد ضعیف‌تر انرژی احساسی خود را از دست می‌دهند. بنا بر گفته کالینز، افراد برای به حداکثر رساندن سطح انرژی احساسی خود، برانگیخته می‌شوند؛ مردم برای حس کردن بالاترین سطح ممکن اشتیاق، قدرت شخصی، معنایی از پیوستگی اجتماعی و یا تمایل به درگیر شدن در کنش متقابل، برانگیخته می‌شوند (ربانی خوراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۸: ۴۵).

۳. پیشینه پژوهش

برای اشراف کامل‌تر به فضای مفهومی پژوهش و شناسایی شکاف دانشی، تحقیقات داخلی و خارجی واکاوی و بازبینی شدند. در ادامه نتایج این تحقیقات ذکر خواهد شد.

۱-۳. پیشینه داخلی

علی‌مردانی و اسدی (۱۴۰۱) با هدف شناسایی راهبردهای بهبود آموزش آنلاین به این نتیجه رسیدند که راهبردهای زمینه‌ای، در قالب زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، زمینه را برای آموزش و یادگیری دانشگاهی آنلاین فراهم می‌کنند. کرم‌مدار اسرمی و همکاران (۱۴۰۰) به منظور شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر انگیزه دانش‌آموزان برای شرکت در آموزش آنلاین به این نتیجه رسیدند که عوامل فردی، آموزشی، تکنولوژیکی، روانی، مالی و اجتماعی، عوامل مؤثر در ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان به منظور شرکت در آموزش آنلاین در دوران کرونا هستند. اولویت‌بندی این عوامل به ترتیب عبارت است از: مالی، روانی، اجتماعی، آموزشی، فردی و تکنولوژیکی. هاشم‌نیا و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند بعد الزامات آموزشی و پژوهشی، الزامات مالی و اقتصادی، الزامات اجتماعی و فرهنگی، الزامات قانونی و الزامات مدیریتی و سازمانی به ترتیب بیشترین اهمیت را در الزامات کلان آموزش آنلاین مبتنی بر پاندمی کرونا دارند. مطابق یافته‌های قریشی و همکاران (۱۴۰۰)، چالش‌های دانش‌آموزان در طول همه‌گیری شامل پنج گروه است: چالش‌های شخصی، تعامل اجتماعی محدود، مشکلات فناوری، مسائل ارزیابی و نگرانی‌ها در مورد محتوا و روش‌های تدریس. همچنین بازخورد دانش‌آموزان ابزار مهمی در ارزیابی کیفیت دوره‌های آنلاین است. در مطالعه عاطفی بروجنی (۲۰۲۲) مشخص شد معلمان نگرش مثبتی به ویژگی‌های سازگاری آموزش آنلاین و نگرشی منفی به پیچیدگی‌های ناشی از یادگیری زبان به صورت آنلاین داشتند. در این میان عواملی مانند کم‌سوادی تکنولوژیکی، قطع برق و سرعت کم اینترنت سبب ترجیح یادگیری سنتی به آموزش آنلاین بود. این تحقیق براساس نتایج خود بر آموزش حرفه‌ای معلمان برای مدیریت کلاس، افزایش سواد دیجیتال آن‌ها، آموزش کار با پلتفرم‌های آموزشی و تلاش برای جایگزین کردن تدریس سنتی با آموزش آنلاین تأکید دارد. سراجی و همکاران (۱۴۰۰) دریافتند سیستم آموزش الکترونیکی در دوران کووید-۱۹ در دوازده عامل مرتبط با دانش‌آموزان، معلمان و مدیران دارای چالش‌هایی است که شامل دسترسی و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، مطالعه و آموزش از خانه، مهارت‌های یادگیری الکترونیکی و کیفیت محتوا، روش تدریس، فعالیت‌های پژوهشی، عوامل روان‌شناختی، فعالیت‌های یادگیری، ارزشیابی، برنامه‌ها و سیاست‌ها، عوامل کلان اجتماعی و حمایت می‌شود.

۲-۳. پیشینه خارجی

ماچوسکی و هربرت برگر^۱ (۲۰۲۲) به تاریخچه و چالش‌های فعلی در کار با زیرساخت‌های یادگیری آنلاین پرداختند. نتیجه پژوهش آن‌ها نشان داد توسعه آموزش مجازی نیازمند توسعه ساختارهای آموزش آنلاین در زمینه مدارس آنلاین، شرکت‌های فناوری، سیاست‌گذاری، توسعه زیرساخت‌های پهنای باند، توسعه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، فائق آمدن بر چالش‌های فنی مثل فراهم آوردن تجهیزات دیجیتال در مدارس و همچنین امنیت سایبری است. مطابق نتایج گراد و همکاران^۲ (۲۰۲۱)، یادگیری از راه دور به طور مثبت تحت تأثیر زیرساخت‌های آموزش الکترونیکی و شایستگی شناختی دانشجویان، استادان و کارکنان اداری است. در نهایت، این مطالعه پیشنهاد می‌کند که برای بهبود فرایند یادگیری الکترونیکی، نیاز به حمایت مالی کافی از سوی دولت وجود دارد؛ در حالی که به دانشگاه‌ها توصیه می‌شود کارگاه‌ها و آموزش‌ها را برگزار کنند و برنامه‌های کنفرانس از راه دور را ارائه دهند. بصر و همکاران^۳ (۲۰۲۱)، دریافتند هرکدام از دانش‌آموزان در خانه خود دارای رایانه و تلفن متصل به اینترنت بودند، توانایی بیشتری برای استفاده از آن‌ها داشتند، ولی انگیزه یادگیری آنلاین آن‌ها کم بود. مطابق نتایج این تحقیق، آموزش متعارف و چهره‌به‌چهره برای یادگیری مهم است و برای مدارس و معلمان و والدین مهم است که به هر دو مقوله آموزش آنلاین و چهره‌به‌چهره توجه کنند. سومینار و ترسیانی^۳ (۲۰۱۲) به این نتیجه رسیدند که جلسات رودررو در کلاس بین استادان و دانشجویان برای دریافت بازخورد فوری و تماس انسانی مورد نیاز است که به سختی با ابزار رسانه به دست می‌آید؛ بنابراین، روش یادگیری ترکیبی ایدئال‌ترین راه آموزش و یادگیری است.

بررسی دقیق تحقیقات انجام شده در داخل نشان می‌دهد این تحقیقات تا حد زیادی وجهه آسیب‌شناختی دارند و با توجه به نیاز جامعه به آموزش آنلاین تلاش کرده‌اند چالش‌ها و موانع آموزش آنلاین را نشان دهند. به همین دلیل به دقت و موشکافانه بررسی نمی‌کنند که آموزش آنلاین در سطوح خرد توسط معلمان چگونه اجرا می‌شود و حتی دانش‌آموزان و والدین در این مسیر چه جایگاه و نقشی برعهده دارند. به علاوه با توجه به توسعه پلتفرم‌های آموزشی، این تحقیقات به طور خاص امکان توسعه آموزش در این بستر را به طور عمیق واکاوی نکرده‌اند. هرچند تحقیقات خارجی تا حد زیادی بر فرایندهای درونی آموزش آنلاین متمرکزتر شده‌اند و تکامل آموزش آنلاین را مکمل آموزش رودررو قلمداد می‌کنند، اما نتایج این تحقیقات نیز با تحقیقات داخلی هم‌پوشانی دارد. برای واکاوی بهتر فرایندهایی که آموزش آنلاین در بستر پلتفرم‌های آموزشی شکل می‌دهد، تحقیق پیش‌رو به صورت زمینه‌ای و با استفاده از تجارب معلمان این مهم را انجام می‌دهد. از این حیث نقش هرکدام از ابعاد خانواده، معلم، دانش‌آموز، سیستم آموزشی و... در فرایند شکل‌گیری آموزش آنلاین واکاوی می‌شود. به علاوه این تحقیق تا حد امکان از جنبه آسیب‌شناختی فاصله می‌گیرد و کنش و واکنش‌هایی را در نگاه معلمان بازتفسیر می‌کند که حامل راهبردهای رشد آموزش آنلاین در بستر پلتفرم‌ها و شناخت پیامدهای متناسب با آن باشد.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر متناسب با هدف نهایی‌اش از روش‌شناسی کیفی با راهبرد نظریه داده‌بنیاد استفاده می‌کند؛ چرا که در این پژوهش علاوه بر دغدغه عمق و خلاقیت، طی چند مرحله کدگذاری، نتایج داده‌ها در چارچوب یک مدل پارادایمی که حاصل دقت تکنیکی کار و شفافیت مراحل کدگذاری است، طراحی می‌شود. اهمیت این روش، از یک سو به دلیل قابلیت در نظریه‌سازی و از سوی دیگر به دلیل

1. Machusky & Herbert-Berger
2. Garad et al.
3. Suminar & Trisyani

ایجاد ظرفی برای تحلیل داده‌های کیفی است (افشانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۱۹). این روش منعطف است و تعامل مداوم داده‌ها و نظریه نهایی برآمده از داده‌ها را فراهم می‌کند (سلمان روغنی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۱۶). از این حیث در این نوع رویکرد، تحلیل‌های انجام‌شده و نظریه نهایی با یکدیگر رابطه نزدیک دارند و محقق با هدف کشف نظریه به مطالعه افرادی می‌پردازد که در فرایندها و تجارب و تعاملات مشترکی سهیم هستند. با توجه به توضیحات فوق، نمونه‌گیری در این پژوهش هدفمند بود. معیارهای شمول مشارکت‌کنندگان عبارت بود از: داشتن حداقل پنج سال سابقه تدریس، تجربه تدریس آنلاین در دوره پاندمی کرونا، استفاده از پلتفرم‌های آموزشی برای تدریس آنلاین و اشتغال در شهر یزد. در این مسیر به‌منظور حصول نظریه نهایی از نمونه‌گیری نظری استفاده شد و تا اشباع نظری ادامه یافت؛ به‌گونه‌ای که جمع‌آوری داده‌های جدید کمکی به پیشبرد نظریه نهایی نمی‌کرد. اشباع نظری در این تحقیق متکی به غنی‌شدن مقوله‌های به‌دست‌آمده از طریق مصاحبه‌های اخذشده بود؛ به‌گونه‌ای که هم داده‌های تکراری اخذ می‌شد و هم داده‌های مذکور به‌مثابه کشف عرصه‌های نو و دست‌نخورده با حداکثر بازدهی نظری تلقی نمی‌شدند. به همین دلیل پس از مصاحبه عمیق با ۱۵ نفر از معلمان و مدرسان حاضر در شهر یزد که تجربه آموزش آنلاین داشتند، اشباع نظری حاصل شد. پس از هر مصاحبه، متن آن مکتوب و تحلیل می‌شد و براساس نمونه‌گیری نظری مصاحبه بعد صورت می‌گرفت. نمونه‌گیری نظری در نظریه داده‌بنیاد به این معناست که محقق اشکالی از جمع‌آوری داده‌ها را انتخاب می‌کند که متون و تصورات مفیدی را در راستای تولید یک نظریه به‌دست خواهد داد. در این راستا براساس راهنمای اشتراوس و کوربین (۱۳۹۷) در اثنای اخذ مصاحبه‌ها، مفاهیم و موقعیت‌هایی پیگیری می‌شد که مکرراً در جریان تحلیل پدیدار می‌شد و امکان مقایسه را برای انتخاب بهترین مقوله‌ها برای تکوین نظریه فراهم می‌کرد. به همین دلیل پژوهشگر نمونه‌گیری فوق را براساس ابعاد و مقوله‌های تدریس آنلاین از طریق پلتفرم‌های آموزشی که از دل مصاحبه‌ها اخذ می‌شدند، انجام می‌داد. داده‌های جمع‌آوری‌شده در این تحقیق با استفاده از سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی در فرایندی زمانمند و منسجم تجزیه و تحلیل شدند. کدگذاری باز در قالب جدول مفهومی، کدگذاری باز در قالب مدل پارادایمی و کدگذاری محوری در قالب خط داستان و طرحواره نظری ارائه شدند. در انجام این تحقیق، ملاحظات اخلاقی مانند توضیح دقیق هدف پژوهش، نحوه انتشار نتایج، رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان، رعایت حریم خصوصی، حفظ گمنامی و رازداری مورد توجه قرار گرفت. به همین دلیل فقط با افرادی مصاحبه صورت می‌گرفت که تمایل کامل برای مشارکت در تحقیق داشتند. در مسیر ارائه یافته‌ها از اسامی مستعار برای حفظ معیار گمنامی استفاده شد و اطلاعات خصوصی مشارکت‌کنندگان نیز براساس معیار رازداری محفوظ ماند. قابلیت اعتماد یافته‌های پژوهش با به‌کارگیری راهبردهایی مانند مشارکت طولانی‌مدت در میدان پژوهش، بررسی اعضا، بررسی همکاران و توصیف غنی صورت گرفت. تأیید پایایی تحقیق نیز با رعایت اصول و نکات مصاحبه مطلوب، ثبت دقیق رخدادها و مکتوب‌کردن آن‌ها انجام گرفت.

۵. نتایج پژوهش

تحلیل و بررسی جزئی مفاهیم، مقوله‌های فرعی و مقوله‌های اصلی در این تحقیق منتهی به یک مقوله هسته با عنوان «سازمان‌دهی هدفمند آموزش آنلاین» شد. این مقوله از ۱۹۷ مفهوم، ۴۶ مقوله فرعی و ۱۵ مقوله اصلی بر ساخته شد که فرایندهای حاکم بر داده‌های به‌دست‌آمده را به‌صورت انتزاعی‌تر نشان می‌دهد.^۱ در ادامه نتایج پژوهش به‌ترتیب در قالب جدول مفهومی (کدگذاری باز)، مدل پارادایمی (کدگذاری محوری) و خط داستان (کدگذاری گزینشی) ارائه می‌شود.

۱. به‌علت محدودیت حجم مقاله، مفاهیم و مقوله‌های فرعی حذف شدند.

جدول ۱. مقوله‌های اصلی و مقوله هسته پژوهش

| مقوله هسته | مقوله‌های اصلی | |
|--------------------------------|--------------------------------|---------------------------------|
| سازمان دهی هدفمند آموزش آنلاین | سن محوری آموزش آنلاین | رقابت آموزشی آنلاین |
| | کنش هدفمند آموزشی افراد | پذیرش زمانمند آموزش آنلاین |
| | نامحدودبودن آموزش آنلاین | مدیریت خصوصی اپ‌های آموزشی |
| | تکامل‌یافتن آموزش | فعالیت والدین در میسر آموزش |
| | سرمایه‌گذاری روی معلمان | مطلوبیت امکانات اپ‌ها |
| | کثرت منابع عرضه و تقاضای آموزش | خلاقیت و ارتباط در آموزش آنلاین |
| | مسئله‌مندی زیرساخت‌ها | کار عاطفی آموزشی |
| | تمرکززدایی در آموزش آنلاین | |

۱-۵. خط داستان

در این بخش هر کدام از مقوله‌های اصلی پژوهش در قالب خط داستان به همراه شواهدی از گفته‌های مشارکت‌کنندگان ارائه می‌شود.

سن محوری آموزش آنلاین: در نظر پاسخگویان پژوهش حاضر، سازمان‌دهی موفق آموزش آنلاین در بستر پلتفرم‌های آموزشی امری است که به سن تحصیل‌کنندگان وابسته است. در این معنا باید در نظر داشت تحصیل در سنین پایین و بالا مزایا و معایب خاص خود را دارد. درمورد آموزش در سن پایین، باید گفت ارتباط‌گیری و انگیزه افراد بیشتر است، میزان آشنایی آن‌ها با محیط‌های آنلاین و تکنولوژی آموزشی بیشتر و پذیرش آموزش آنلاین برای آن‌ها راحت‌تر است. درمورد آموزش در سنین بالاتر نیز می‌توان گفت افراد بالغ‌تر در آموزش آنلاین هدفمندتر و دانش‌پذیرتر هستند، میزان کنترل معلم بر کلاس آنلاین آن‌ها بیشتر است و به‌طور کلی این افراد نتیجه مطلوب‌تری از آموزش آنلاین می‌گیرند. فاطمه درمورد ارتباط‌گیری آسان دانش‌آموزان در رنج سنی پایین می‌گوید: «دانش‌آموزانی که رنج سنی پایین‌تری دارند، یعنی حالا حول و حوش دبستان و این‌ها خیلی ارتباط بیشتری می‌گیرند. به نظر من عجیبه که می‌تونن به این راحتی ارتباط بگیرن، اما اتفاق جالب اینه که رنج سنی کوچیک‌تر به راحتی ارتباط می‌گیرن.»

کنش هدفمند آموزشی افراد: در واکاوی شرایط و امکان شکل‌گیری آموزش آنلاین، نباید نقش کنش‌های فردی را ندیده گرفت. در این معنا می‌توان گفت وجود کنشگران هدفمندی مانند دانش‌آموزان، معلمان، برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و... هر کدام بخشی از الزامات این نوع آموزش هستند. در نظر مشارکت‌کنندگان این پژوهش، تعیین بخشی اهداف فرد در آموزش آنلاین، تعیین بخشی اختیار ورود به آموزش و تعیین بخشی پیشینه آموزشی افراد خبر از این دارد که کنش‌های افراد در بستر پلتفرم‌های آموزشی هدفمند است و همواره اراده رو به موفقیت خواهند داشت. در این معنا تلاش خودخوان دانش‌آموزان، هدفمندبودن آن‌ها، اراده به دانش آن‌ها، داشتن انگیزه، داشتن تجارب آموزش آنلاین و... تلاش آن‌ها در مسیر آموزش آنلاین را معنادار خواهد کرد. شیما درمورد اختیار آموزشی دانش‌آموزان می‌گوید: «ذات این پلتفرم آموزشی مبتنی بر اینه که افراد رو به پیشرفت برسونه، اما اون کسی که از این ذات نهاده‌شده توی رسانه‌ها باید استفاده کنه، خود فرد، اینکه اهمیت بده اینکه به کارای حاشیه‌ای نپردازه و غیره و غیره؛ چون خود فرد براساس اختیارش عمل می‌کنه.»

نامحدودبودن آموزش آنلاین: علی‌رغم محدودیت زمانی و مکانی آموزش رودررو، آموزش آنلاین با نامحدودبودن در مکان و زمان شناخته می‌شود. در این بستر افراد در هر زمان می‌توانند تحصیل کنند و معلمان نیز می‌توانند در هر موقعیت و زمان تدریس کنند. به اعتبار این نوع نامحدودبودن، حتی در روزهای تعطیل ایام هفته نیز می‌توان اهداف آموزشی را پیگیری کرد. سرنوشت محتوم

آموزش تمرکززدایی مکانی است. به این معنا که در هر جایی می‌توان آموزش را سازمان‌دهی کرد. نه تنها مکان آموزش، بلکه تمرکززدایی فوق در معلم، سازمان، ابزار آموزشی، نحوه تدریس و حتی در دانش‌آموز نیز اتفاق خواهد افتاد. میلاد در این خصوص می‌گوید: «چه به‌عنوان مدرس، چه به‌عنوان محصل، هر جای دنیا باشی می‌تونی این کلاس رو داشته باشی. من اگه بخوام برم سفر و اگر بقیه عوامل برای من فراهم باشه می‌تونم کلاس آنلاینم توی هتل هم برگزار کنم و فرامکانی می‌شه.»

تکامل یافتن آموزش: در نظر مشارکت‌کنندگان این پژوهش، آموزش در معنای عام آن امری در حال تکامل است؛ زیرا آموزش یکی از زیربناهای توسعه انسانی و اجتماعی است؛ بنابراین می‌توان روی آن سرمایه‌گذاری کرد. این سرمایه‌گذاری صرفاً محدود به آموزش سنتی و رودرو نیست، بلکه شامل آموزش آنلاین نیز می‌شود. به اعتبار رشد آموزش آنلاین هم می‌توان آن را به‌عنوان یک مکمل در کنار آموزش رودرو شناخت که واجد اهمیت و پتانسیل برای سرمایه‌گذاری‌های کلان است. مکمل بودن این نوع آموزش به‌طور مستقیم به رشد و توسعه زیرساخت‌های آموزش آنلاین در کشور وابسته است. به همین دلیل باید گفت ذات آموزش همواره در حال تکامل است. احمد می‌گوید: «فکر می‌کنم توی آموزش آنلاین باید سرمایه‌گذاری زیادی بشه. این سرمایه‌گذاری‌ها هم روی معلم‌هاست، هم روی دانش‌آموزها و هم روی اپلیکیشن‌ها که همه این‌ها با هم یه سیستم آموزشی کلان رو ممکنه تشکیل بدن.»

سرمایه‌گذاری روی معلمان: انتقال گسترده به آموزش از راه دور آنلاین، معلمان را با انواع چالش‌های شناختی، اجتماعی، آموزشی و فناوری مواجه کرد. این چالش‌ها عمدتاً عبارت بودند از: تلاش برای به‌دست‌آوردن کنترل بر فناوری‌ها، مدیریت تعاملات اجتماعی در شرایط محدود پلتفرم‌ها، انجام این تعاملات با قوانین رفتاری و گفت‌وگویی نامشخص، ازدست‌دادن حریم خصوصی معلمان به‌دلیل تداوم آموزش‌ها، مورد انتقاد قرارگرفتن معلمان توسط والدین و تلاش آن‌ها برای مدیریت محتوای ارائه، نیاز معلمان به توسعه سریع مدل‌ها و راهبردهای جدید برای آموزش و یادگیری آنلاین (سیدی و همکاران، ۲۰۲۳: ۳). با توجه به موارد مذکور باید گفت یکی از الزام‌های اساسی برای رشد و توسعه آموزش آنلاین در بستر پلتفرم‌های آموزشی سرمایه‌گذاری روی معلمان و تلاش برای ارتقای سواد تکنولوژیک در میان آن‌ها است. فاطمه در این خصوص می‌گوید: «اگر قرار باشه روزی آموزش آنلاین گسترده بشه و سرمایه‌گذاری روش انجام بگیره، قبل از اون باید روی معلم‌ها سرمایه‌گذاری کرد. روی سواد کامپیوترشون، روی مدیریت سیستم، حتی یک سری دوره‌های روان‌شناسی برن بشینن بخونن. دوره‌های مدیریتی برن بخونن. و این‌طور سطح دانش و تدریشتون بالاتر می‌ره. اونم با گذروندن دوره‌های متعدد.»

کثرت منابع عرضه و تقاضای آموزش: در نظر مشارکت‌کنندگان پژوهش، مسیر حرکت به‌سوی آموزش آنلاین مسیری پویاست که در آن می‌توان تکثر منابع عرضه و تقاضای آموزشی را دید. در این معنا دیگر نمی‌توان آموزش را امری انحصاری دانست. به این ترتیب تدریس معلمان صرفاً به مدارس رسمی محدود نیست و طیف زیادی از افراد می‌توانند در بستر پلتفرم‌های آموزشی کلاس‌های آنلاین را برگزار کنند. در این بستر پویا، دانش‌آموزان نیز به‌سهولت به استادان محبوب دسترسی دارند، در انتخاب معلم خود مختار هستند و آزادی بیشتری دارند. روش‌ها و کیفیت تدریس معلمان در این بستر بیشتر قابل‌سنجش است، تعداد دانش‌پذیران نیز در فضای مزبور گسترش پیدا می‌کند و حتی معلمان نیز برای ذخیره دانشی خود با بازار گسترده‌تری روبه‌رو هستند. یلدا در مورد انعطاف و اختیار در انتخاب معلمان می‌گوید: «من مثلاً الان خودم کلاس‌های آنلاین شرکت می‌کنم خارج از یزد، توی تهران. با

اینکه شرایطش توی یزد برام فراهمه، ولی واقعاً چون از کیفیت کلاس‌های به شخص دیگه شاید تو به شهر دیگه‌ای لذت ببرم و کیفیت کارش رو می‌دونم که نتیجه خوبی قراره از کلاسش بگیرم، این کارو می‌کنم و شرکت می‌کنم.»

مسئله‌مندی زیرساخت‌ها: براساس یافته‌های پژوهشی، جوابگو نبودن ظرفیت سرورها، ضعف دولت در اصلاح زیرساخت‌های اینترنتی، عدم پشتیبانی سرورها از تعداد زیاد افراد، ضعف تکنولوژیکی، عدم دسترسی همه دانش‌آموزان به اینترنت پرسرعت، قطعی مداوم اینترنت، محدودیت اپلیکیشن‌های آموزشی و... دشواری‌های توسعه آموزش آنلاین را گوشزد می‌کند. به‌وضوح پیداست که بدون استفاده از فناوری مناسب در یک محیط یادگیری کاملاً آنلاین، تعامل کاملاً محدود خواهد بود که این امر به‌نوبه خود ممکن است رضایت دانش‌آموز را از دوره کاهش دهد و بر عملکرد آن‌ها تأثیر بگذارد. به همین دلیل فراهم‌شدن زیرساخت‌های اینترنتی و تکنولوژیکی، امری ضروری است. یوسف درخصوص لزوم داشتن امکانات تکنولوژیکی دانش‌آموزان می‌گوید: «ببینید برای ورود به کلاس آنلاین به نظر من لازمه افراد به سری تجهیزات اولیه رو داشته باشن. به‌رحال لپ‌تاپ باید داشته باشه. بازدهی کلاس آنلاین اونجا بالاتر خواهد رفت. اینکه شما بتونی به جای مشخصی داشته باشی. توی اون فضا آروم باشی. شما بتونی توی کلاس شرکت کنی و نتیجه بگیر.»

مطلوبیت امکانات اپ‌ها: در بیان دقیق‌تر امکان شکل‌گیری آموزش آنلاین باید به‌طور خاص به امکانات و پتانسیل‌های اپلیکیشن‌های آموزشی توجه کرد. به اعتبار تلاش برای توسعه این اپ‌ها، صفحه‌آرایی مناسب، ساده‌سازی برای استفاده تمامی سنین، کیفیت صدا و تصویر، امنیت، فضای ذخیره‌سازی مناسب، جذابیت درونی و... جزو ملزومات یک اپلیکیشن مطلوب آموزشی خواهند بود. در بطن یافته‌های پژوهشی، مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند که یادگیری دانش‌آموزان به‌طور مستقیم علاوه بر فضای آموزشی به امکانات اپ‌ها وابسته است. هانیه با مقایسه اپ‌های آموزشی می‌گوید: «من با ادوبی کانکت و بیگ‌بلو باتن و اسکای روم کار کردم، ولی ادوبی قابلیت‌های بیشتری داره. از این بابت که گروه‌بندی کردن، تعاملات گروهی برقرار می‌شه، شما می‌تونید چند تا چیز را با هم شیر بکنی توی صفحه. این خودش خیلی مهمه و سیستم منظمی داره.»

رقابت آموزشی آنلاین: با پذیرش عمومی آموزش آنلاین و شناخت پتانسیل‌های درونی آن، میزان رقابت افراد در استفاده از آن چشمگیر می‌شود. بنا بر اذعان مشارکت‌کنندگان، رقابت حاکم بر عرصه آموزش می‌تواند از رقابت رودررو به رقابت آنلاین مبدل شود. از این حیث می‌توان به آموزش به‌مثابه بازاری نگرینست که در آن عرضه و تقاضا به‌موازات یکدیگر حرکت می‌کنند. به اعتبار رقابتی‌شدن فضای مزبور، آموزش تمرکززدایی می‌شود، خدمات آموزشی توسط آموزشگاه‌های رسمی و غیررسمی و حتی مدرسان به فروش می‌رسد، برای به‌دست‌آوردن مشتریان آموزش رقابت صورت می‌گیرد و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و محصلان برای مؤسسات آموزشی توجیه اقتصادی می‌یابد. در این بستر تازه بر ساخته، از یک سو دانش‌آموزان و محصلان برای دسترسی به مدرسان با یکدیگر رقابت می‌کنند و از سوی دیگر به‌علت گستردگی فضای آموزشی، تعداد بیشتری از معلمان و مؤسسات آموزشی فراتر از مرزهای جغرافیایی به فروش آموزش مبادرت می‌ورزند. در این معنا می‌توان همواره کنش‌های صورت‌گرفته در این بستر را معطوف به هدف دانست. اسماعیل درمورد وجود فضای رقابت تدریسی معلمان می‌گوید: «به نظر من هرچقدر هم تعداد تو این زمینه بیشتر بشه، باز هم گنجایش وجود داره؛ چون فضای رقابت عمدتاً تو این فضا خیلی زیاده. ولی به نکته‌ای که وجود داره اینه که کاملاً معلم‌ها با هم متفاوت‌اند. هر کدوم ایده‌های متفاوت دارن. روش تدریس‌های متفاوت دارن. این قضیه باعث می‌شه شاگردها حق انتخاب بیشتری داشته باشن.»

پذیرش زمانمند آموزش آنلاین: مشارکت‌کنندگان این پژوهش، شرایط رشد و پذیرش آموزش آنلاین در بستر پلتفرم‌های آموزشی را منوط به تقدس‌زدایی از آموزش حضوری می‌دانند. با وجود این، تقدس‌زدایی از آموزش حضوری به معنای کنار گذاشتن آن نیست، بلکه به‌مثابه در نظر گرفتن آموزش آنلاین به‌عنوان یک امر اجتناب‌ناپذیر و مکمل است. با توجه به اینکه افراد جامعه در ابتدا آموزش آنلاین مختص شرایط استثنایی می‌دانستند، از کارکردهای آن ناآگاه بودند، پتانسیل‌های درونی آن را نمی‌شناختند، بسترهای فرهنگی برای پذیرش آن وجود نداشت و حتی مجهز به سواد دیجیتال و سواد رسانه‌ای نبودند. به همین سبب در مقابل این نوع آموزش موضع‌گیری می‌کردند. به همین دلیل فرایند پذیرش آموزش آنلاین در فرایندی زمانمند صورت گرفت. به این ترتیب باید در نظر داشت یکی از الزامات اساسی رشد آموزش آنلاین، پذیرش همگانی آن در فرهنگ عمومی و نزد متخصصان آموزشی است. میلاد درمورد ناآگاهی افراد از آموزش آنلاین می‌گوید: «زمانی که آموزش آنلاین شده بود، من یادمه از یکی از روستاهای یزد به آقایی از اونجا تماس گرفته بود و ما کلی توضیح دادیم که شما قراره این‌طور آموزش ببینید. بعدش هم که وصل شد گفت: حالا من باید چیکار بکنم؟ اون دیدی که به کلاس آنلاین داشت بر اساس تخیل بود بیشتر تا واقعیت دیجیتال.»

مدیریت خصوصی اپ‌های آموزشی: به‌نظر می‌رسد در حوزه آموزش آنلاین، سیستم‌های آموزشی نیازمند بهره‌گیری از اپلیکیشن‌های باکیفیت هستند و با توجه به امکانات ارائه‌شده، به راه‌اندازی آموزش آنلاین مبادرت می‌ورزند. در این بستر جدید مشارکت‌کنندگان اذعان می‌کنند که مدیریت و ارائه اپ‌های آموزشی نه به‌وسیله دولت، بلکه باید توسط بخش خصوصی انجام شود. به این ترتیب وجود فضای رقابتی در بخش خصوصی، امکان ارائه اپ‌های باکیفیت‌تر، وجود ابتکار عمل در طراحی اپ‌ها، آزادی و استقلال دانش‌آموزان و معلمان در فضای مزبور، امکان ارائه خدمات باکیفیت‌تر، پاسخگویی بهتر این بخش و... دلایلی هستند که ترجیح مدیریت اپ‌های آموزشی به‌وسیله بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی را توجیه می‌کند. محمد می‌گوید: «وقتی مدیریت خصوصی باشه احساس می‌کنم رقابت تو فضای خصوصی بیشتره و توی ارتقای این پلتفرم‌ها و اپلیکیشن‌ها رقابت بیشتری باید باشه. افراد خبره و متخصص‌تری رو استخدام می‌کنن و یه سری ملاحظات فنی در استخدام افراد برای رقابت بیشتر با سایر شرکت‌ها دارن.»

فعالیت والدین در میسر آموزش: یکی از الزامات اساسی آموزش آنلاین، پشتیبانی والدین از آموزش فرزندان خود در بستر پلتفرم‌های آموزشی است. والدین می‌توانند با مدیریت مطلوب فرزندان خود در فضای وب، تلاش برای کنترل فضای درسی فرزندان، حمایت مالی فرزندان، تهیه مطالب کمک‌درسی و... هم در موفقیت تحصیلی فرزند خود نقش مؤثری ایفا کنند و هم به‌طور غیرمستقیم فرایند رشد آموزش آنلاین را تسهیل کنند. علی‌رغم تأثیر والدین در امور مزبور باید در نظر داشت که فعالیت کارآمد آنان نسبت نزدیکی با وضعیت اقتصادی، تحصیلات و همچنین تعداد فرزندان‌شان دارد. با توجه به اینکه والدین نیز بخشی از فرایند آموزشی اجراشده هستند، اشراف والدین به برنامه درسی فرزندان، به‌تنهایی در مسیر آموزش کارآمد نیست. سارا در این خصوص می‌گوید: «باید خانواده همیشه در کنار فرزندشون دونه به دونه مطالب رو در کنارش باشن. مورد بعدی که می‌تونه کمک‌کننده باشه اینه که بچه‌ها به روش‌های آموزشی که همین آفلاین‌ها رو بتونن دوباره کار بکنن، به صرف مطلق به آفلاین اکتفا نکنن و ویدیوهای ضبط‌شده باید برآشون تهیه بشه.»

خلاقیت و ارتباط در آموزش: در توسعه آموزش آنلاین دو امر ضروری است. از یک سو آموزش آنلاین نیازمند راهبردها و برنامه‌ریزی‌هایی است که ارتباط دانش‌آموزان با یکدیگر و معلمان به‌طور مطلوبی سازمان‌دهی شود و از سوی دیگر این آموزش مستلزم فراهم‌آوردن شرایط برای افزایش خلاقیت در تحصیل و تدریس خواهد بود. در حیطه ارتباط کنش‌های دانش‌آموزان و معلمان علاوه بر هدفمند بودن، مبتنی بر کنش‌های تفهیمی نیز خواهد بود. به این ترتیب مدیریت کلاس درس توسط معلمان باید به‌گونه‌ای

سازمان یابد که هم درک متقابل معلمان و دانش‌آموزان نسبت به یکدیگر افزایش یابد و هم فرصت یادگیری بیشتر شود. در حوزه خلاقیت نیز می‌توان به ایده‌پردازی و انعطاف افراد در فضای وب، مشارکتی کردن کلاس درس، خلاقیت در مدیریت کلاس‌ها، استفاده مطلوب از امکانات اپ‌ها و... اشاره کرد؛ بنابراین آموزش آنلاین هم فراهم‌آورنده کنش‌های ارتباطی و تفهیمی است و هم فرصت افزایش خلاقیت و ایده‌پردازی را فراهم می‌کند. یاسمن درمورد خلاقیت معلمان می‌گوید: «ایده‌گرفتن و خلاق شدن رو اگر توی فضای مجازی خودش پیاده کنه واقعاً براش مفیده. مثلاً شرایط مشابهی رو ایجاد کردن به نظر خیلی مفیده. حالا چه با استفاده از ویدیوها یا با استفاده از عکس و صدا یا کارهایی که بقیه انجام می‌دن برای جذب دانش‌آموز تو این قضیه می‌تونه خیلی مفید باشه.»

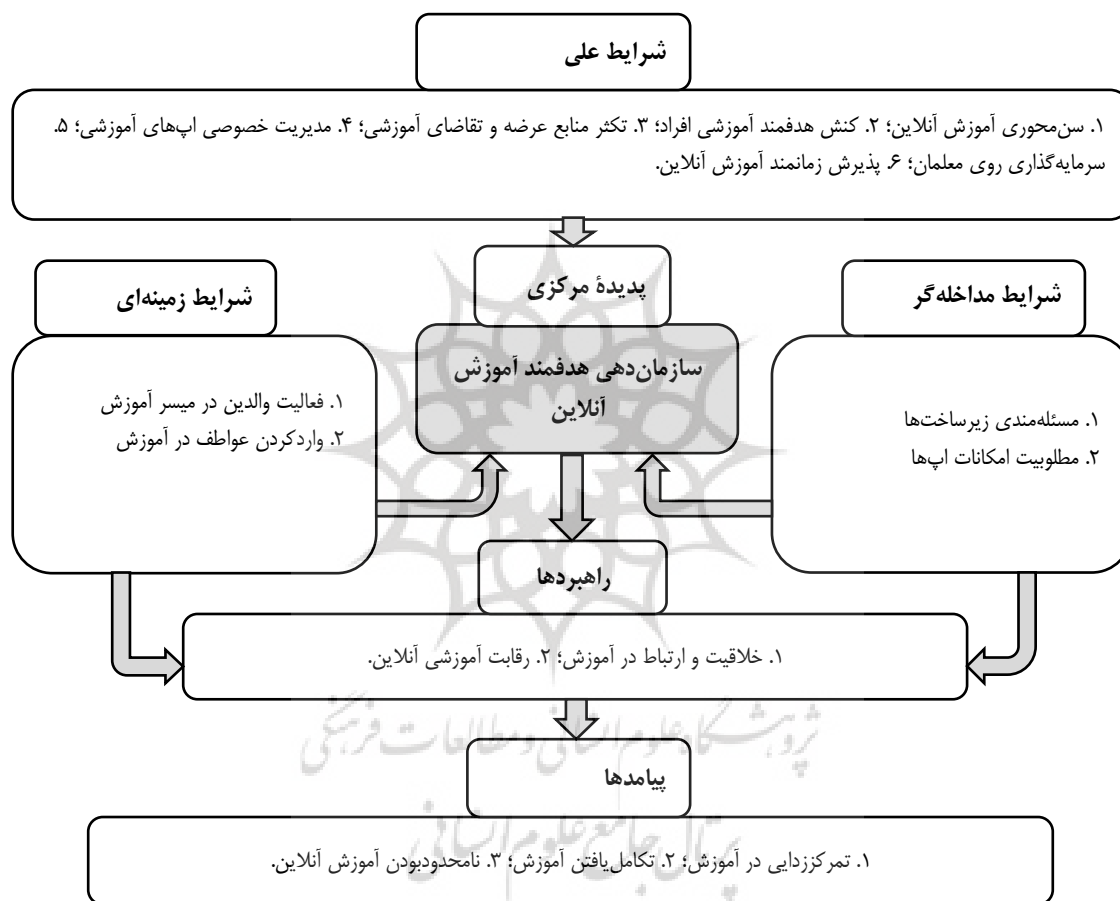
کار عاطفی آموزشی: به‌طور کلی تدریس معلمان چه به‌صورت رودررو و چه به‌صورت آنلاین را نمی‌توان خالی از عواطف در نظر گرفت. به این ترتیب می‌توان از کار عاطفی در میان معلمان سخن به میان آورد. کار عاطفی به مدیریت احساسات و حالات عاطفی گفته می‌شود تا با انتظاراتی که در یک شغل وجود دارد، سازگار باشد (دی‌رویتز و همکاران^۱، ۲۰۲۱). وجود عواطف در تمامی کلاس‌های آنلاین، لبخند زدن به‌عنوان تعهد کاری، مهارت در به‌کارگیری به‌موقع عواطف، تلاش برای انتقال عواطف در فضای آنلاین، ایجاد احساس خوب در میان دانش‌آموزان و... نشان‌دهنده تلاش معلمان برای منعطف کردن کلاس با استفاده از عواطف است. به اعتبار درگیر کردن عواطف دانش‌آموزان و معلمان در بستر آموزش آنلاین، توسعه مداوم آموزش آنلاین نیز امکان‌پذیر خواهد بود. زینب بیان می‌کند: «خب معلم می‌تونه این جواری حس خوبی به شاگرد بده و شاگرد رو به خودش وابسته کنه. این اتفاق می‌افته، ولی خب به نظر من یه چیز متقابله؛ یعنی هم شاگرد حس خوبی می‌گیره، هم معلم تبلیغ کار خودشو می‌کنه.»

تمرکززدایی در آموزش آنلاین: اگر در تدریس کلاسیک و مدرن، آموزش را ذیل عناوین مکتبی، دولتی و سازمانی یا موسسه‌ای می‌شد شناخت، در دوران جدید و پست‌مدرن به‌موازات رشد رسانه‌ها و گسترش آموزش آنلاین از تمامی سطوح آن تمرکززدایی خواهد شد. تمرکززدایی صرفاً به‌مثابه عبور از ساختار آموزش مدرسه‌ای نیست. در این بیان، نحوه تدریس معلمان منعطف می‌شود، مدارس فرامکان می‌شوند، معلمان علاقه دارند آزادی را در آموزش و استقلال در کسب سود را تجربه کنند؛ به‌گونه‌ای که هیچ نهاد و سازمانی نتواند آن‌ها را کنترل کند و حقوق آن‌ها را تعدیل کند. در یک فرایند تمرکززدایی‌شده، آموزش از راه دور امکان‌پذیر می‌شود، دسترسی همیشگی است، فضای آموزشی منعطف است، یادگیری آنلاین صرفاً معطوف به یک مؤسسه یا یک معلم نیست و معلمان نیز اهداف خود را به یک مکان با تعداد محدودی از دانش‌آموزان گره نخواهند زد. فاطمه درخصوص تسهیل ارتباطات می‌گوید: «به‌علاوه اینکه یه خاصیتی که داره اینه که در هر موقعیتی و هر زمانی و هر جایی که باشیم کاملاً متصل شدن به کلاس در دسترسه و یکی از مزایای خوب کلاس آنلاین هست.»

۲-۵. پدیده مرکزی پژوهش: سازمان‌دهی هدفمند آموزش آنلاین

در مدل پارادایمی حاضر، با برهم‌کنش سه قسمت شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر، پدیده مرکزی با عنوان «سازمان‌دهی هدفمند آموزش آنلاین» کشف شده است. این پدیده اشاره‌ای مستقیم به جریان فرایندها و فعالیت‌هایی است که در این تحقیق طی شده‌اند تا نمود هدفمند آموزش آنلاین در بستر پلتفرم‌های آموزشی را به‌عنوان یک برساخت کاملاً اجتماعی نشان دهند؛ برساختی که حاصل برهم‌کنش سطوح کلان، میانی و خرد است و همواره با توجه به توسعه تکنولوژیکی در یک فرایند بازتولیدی قرار دارد. در این پدیده می‌توان مجموعه‌ای از عوامل سطح خرد تا کلان را شناسایی کرد که از روزه آن آموزش آنلاین به‌عنوان یک امر اجتناب‌ناپذیر

به‌مثابه مکمل، حتی بدیل نظام آموزشی حضوری خود را آشکار می‌کند. سازمان‌دهی شدن این نوع آموزش به معنای رویکرد سیستماتیک آن است که هم به کمک بخش خصوصی امکان سازمان‌دهی آن وجود دارد و هم بخش دولتی می‌تواند از آن حمایت کند. در کنار آن، هدفمند تلقی کردن آن نیز به معنای اجرای یک برنامه بلندمدت است که امکان رشد و توسعه نظام آموزشی آینده را نوید خواهد داد. به اعتبار این برداشت از آموزش آنلاین می‌توان آن را نمود مستقیم کنش‌های هدفمند آموزشی در تمامی سطوح اجتماعی دانست.



شکل ۱. مدل پارادایمی پژوهش

۶. بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به هدف، می‌توان بر پیش‌زمینه‌ها و شرایط اجتماعی و آموزشی لازم و همچنین فرایندهای اجرای آموزش آنلاین به‌عنوان نتایج نهایی تأکید کرد. باید در نظر داشت که توسعه آموزش آنلاین شامل کنش و واکنش‌های اجتماعی است که از سطح خرد تا کلان امتداد می‌یابند و هم‌زمان عمل می‌کنند. از این حیث باید هرگونه توسعه در سطوح آموزشی را وابسته به صورت‌های اجتماعی کنش‌ها دانست. بدون در نظر داشتن کنش‌مندی افراد در حوزه سیاست‌گذاری‌های کلان، سطوح میانی و سازمانی و همچنین سطوح

اجرائی و فردی اساساً نتایج حاصل از آن نیز قابل اعتنا نخواهند بود؛ چرا که معمولاً کنش‌ها به‌واسطه هدفمندی خود شناخته می‌شوند. از این حیث آموزش آنلاین را نیز می‌توان بر ساختی از کنش و واکنش قلمداد کرد. در این معنا پدیده مرکزی نیز که حاصل و برآیند کل تحقیق پیش‌رو است، به‌عنوان یک بر ساخت اجتماعی شناخته می‌شود. به این ترتیب باید گفت سازمان‌دهی هدفمند آموزش آنلاین در چارچوب اجتماعی معنا پیدا می‌کند. معنادار بودن این چارچوب مستلزم شناخت آن چیزی است که اجرائی شدن آموزش آنلاین را تسهیل می‌کند.

به اعتبار این نگرش، این آموزش به‌طور مستقیم وابسته به مجموعه‌ای شرایط و علت‌ها است که هر کدام در نسبت نقشی که برعهده دارند، روند مذکور را تعدیل یا تسهیل می‌کنند. مطابق نتایج، اجرا و سازمان‌دهی آموزش آنلاین تا حد زیادی مستلزم این است که به سن دانش‌آموزان به‌عنوان یک معیار توجه شود؛ چرا که این آموزش در نسبت با رنج‌های سنی مختلف ارزیابی متفاوتی دارد. در واقع کنش‌ها و اهداف آموزشی افراد وابسته به این است که افراد در چه سنی باشند. به همین دلیل شرایط سنی افراد مقوله‌ای قلمداد می‌شود که از یک سو حضور در بستر پلتفرم‌های آموزشی را معنادار می‌کند و از سوی دیگر به این نوع آموزش بها می‌دهد. نتایج این پژوهش همچنین بیانگر این است که کنش‌های هدفمند آموزشی افراد را می‌توان به‌عنوان یکی از عوامل توسعه‌دهنده آموزش آنلاین قلمداد کرد. هدفمندی این کنش‌ها به این امر راجع است که دانش‌آموزان، معلمان و سیاست‌گذاران هر کدام بنا بر هدف خود در حوزه آموزش آنلاین فعالیت می‌کنند. در این معنا هدف دانش‌آموزان دسترسی به دانش و موفقیت، هدف معلمان تدریس موفق و رسیدن به مزایای آموزشی و هدف سیاست‌گذاران، توسعه نهاد آموزش و پرورش است. برآیند کلی این کنش‌های هدفمند را، هر چند که به‌صورت قصدنکرده باشد، می‌توان در پذیرش و توسعه آموزش آنلاین مشاهده کرد. به همین دلیل بر مبنای نظر ماکس وبر می‌توان گفت توسعه آموزش آنلاین تابعی از کنش‌های هدفمند بازیگر است که پس از تعمق لازم تصمیمی اتخاذ شود که برای رسیدن به هدف مورد نظر، متضمن بیشترین اقبال باشد (وبر، ۱۳۹۰).

نتایج این پژوهش همچنین بیانگر این است که آموزش آنلاین مستلزم تکثر منابع عرضه و تقاضای آموزشی است. در این معنا تعدد دانش‌آموزان به‌عنوان منابع تقاضا و همچنین تکثر معلمان به‌عنوان منابع عرضه، عرصه آموزش آنلاین را به‌شدت گسترش خواهد داد. به اعتبار این افزایش در منابع عرضه و تقاضا باید در نظر داشت که آموزش سنتی توان جوابگویی به این کثرت را نخواهد داشت که این امر نیز توسعه بیشتر آموزش آنلاین را طلب می‌کند. یکی از مهم‌ترین ضرورت‌هایی که در تحقیق حاضر برای توسعه آموزش آنلاین در بستر پلتفرم‌ها شناسایی شد، مدیریت خصوصی اپلیکیشن‌های آموزشی است. ورود بخش خصوصی به مدیریت اپلیکیشن‌ها، هم فضای رقابت را برای طراحی اپلیکیشن‌های تسهیل می‌کند و هم فضای باز بیشتری را در اختیار معلمان و دانش‌آموزان قرار می‌دهد. از این حیث هم استقلال عمل آن‌ها در فضای مزبور حفظ می‌شود و هم به‌واسطه فضای رقابتی حاکم بر طراحی اپ‌ها، امکان پاسخگویی بخش خصوصی به نیازهای آموزشی نیز بیشتر می‌شود.

بر اساس نتایج، سرمایه‌گذاری روی معلمان یکی از مهم‌ترین مقوله‌هایی است که نمی‌توان در شکل‌گیری آموزش آنلاین آن را ندیده گرفت. با فرض توسعه تکنولوژیک در عرصه آموزش و توانایی بخش‌های مختلف در ارائه خدمات آموزشی، اگر معلمان سواد تکنولوژیکی لازم را نداشته باشند، عملاً آموزش با انسداد مواجه می‌شود؛ چرا که ذخیره دانشی معلمان با تسلط بر تکنولوژی آموزشی و فراگرفتن آموزش‌های تخصصی امکان انتقال به دانش‌آموزان را می‌یابد. در غیر این صورت نمی‌توان آموزش آنلاین را به‌صورت هدفمند سازمان‌دهی کرد. نتایج این بخش از پژوهش با نتایج تحقیق رحیمی و عاطفی بروجنی (۲۰۲۲) مبنی بر آموزش حرفه‌ای معلمان برای مدیریت کلاس، افزایش سواد دیجیتالی آن‌ها، آموزش کار با پلتفرم‌های آموزشی و تلاش برای جایگزین کردن تدریس سنتی با آموزش آنلاین همسو است. نتایج این پژوهش سازمان‌دهی آموزش آنلاین را امری زمانمند در نظر می‌گیرد. به این ترتیب

رشد آموزش آنلاین مستلزم فراهم کردن یک بستر فرهنگی در جامعه ایران است که در آن، هم پتانسیل‌های درونی‌اش شناخته شود و هم با تقدس‌زدایی از آموزش حضوری به‌عنوان یک نسخهٔ مکمل در کنار آن مطرح شود. به بیان دقیق‌تر باید گفت شکل‌گیری آموزش آنلاین مستلزم فراهم‌آمدن پیش‌زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی است. این نتیجه با یافته‌های هاشم‌نیا و همکاران (۱۴۰۰) به‌علت تأکید بر الزامات فرهنگی در توسعهٔ آموزش آنلاین همسو است.

علاوه بر شرایط علی، نتایج تحقیق حاضر حول محور شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر بررسی کرد که سازمان‌دهی آموزش آنلاین را متأثر می‌کند. یکی از نتایجی که ذیل عنوان شرایط زمینه‌ای در تحقیق حاضر به‌دست آمده و فرایند آموزش آنلاین را پس از شکل‌گیری تسهیل می‌کند، ورود عواطف به فرایند آموزش است. اگر عواطف در آموزش حضوری بی‌واسطه منتقل می‌شدند، در آموزش آنلاین عواطف به‌وسیلهٔ ابزارهای هوشمند، اپلیکیشن‌ها و امکانات درونی آن، امکان انتقال می‌یابند. باین‌حال مسئله زمانی بیشتر آشکار می‌شود که عواطف جزو جدایی‌ناپذیر آموزش تلقی و به‌عنوان امری الزام‌آور برای معلمان مطرح شود. در این معنا براساس نظریهٔ کار عاطفی آرلی راسل هاکشید، عواطف هم وجهه‌ای ابزاری به خود می‌گیرند و هم توانایی این را دارند که فرایند شکل‌گیری آموزش آنلاین را تسهیل کنند. در نظر هاکشید، وقتی کار عاطفی در راستای انجام شغل قرار گیرد، اتفاقی که خواهد افتاد این است که آن کار، از حالت طبیعی خود خارج می‌شود و به «نیروی کار عاطفی» تبدیل می‌شود (کیانپور، ۱۳۹۱). به همین دلیل نمی‌توان به دور از کار عاطفی به آموزش آنلاین مبادرت ورزید. همچنین وجه دیگری از به‌کارگیری عواطف را می‌توان به نظریهٔ انرژی عاطفی کالینز ارجاع داد. او بیان می‌کند که برای ایجاد انرژی احساسی، ابتدا باید کنش متقابل چهره‌به‌چهره، احساس مشترک و هشیاری دوطرفه وجود داشته باشد. براین‌اساس روابط متقابل معلم و دانش‌آموز، احساس مشترک و روابط چهره‌به‌چهره آن‌ها بخشی از فرایند ایجاد انرژی عاطفی است که در آموزش آنلاین ایجاد می‌شود. در کنار آن می‌توان به فعالیت والدین در مسیر آموزش آنلاین به‌عنوان امری زمینه‌ای نیز اشاره کرد. توانایی یا عدم توانایی والدین در حمایت از فرزندان، به‌طور مستقیم بر فرایند آموزش آنلاین اثر می‌گذارد. هرچند شرط فوق در سطح خرد مطرح می‌شود، به‌طور مستقیم به شرایط و عوامل کلانی وابسته است که سبب می‌شود در نسبت با آن در مسیر آموزش آنلاین فرزندان خود فعالیت داشته باشند. در این معنا می‌توان به سطح تحصیلات والدین، تعداد فرزندان، وضعیت اقتصادی و حتی سواد دیجیتال آن‌ها اشاره کرد، به‌عنوان اموری که آموزش فرزندان را تسهیل یا تعدیل می‌کنند. این نتیجه که فعالیت والدین، امکانات آن‌ها، دغدغه‌هایشان و توجه به آموزش آنلاین در کنار آموزش حضوری برایشان واجد اهمیت است، با نتایج تحقیق بصر و همکاران (۲۰۲۱) همسو است.

علی‌رغم توجه به شرایطی که زمینه‌های رشد آموزش آنلاین را فراهم می‌کنند، می‌توان به شرایط مداخله‌گری نیز اشاره کرد که نتایج حاکم بر تحقیق آن‌ها را دارای تأثیری دوگانه می‌دانند؛ به‌طوری‌که هم تعدیل‌گر آموزش آنلاین هستند و هم در صورت توجه به آن می‌توانند آموزش آنلاین را توسعه دهند. براساس نتایج، ضعف زیرساخت‌ها همواره مانعی برای رشد و توسعهٔ آموزش آنلاین تلقی می‌شود. تأثیر مداخله‌گر آن در سطح کلان است و در صورت عدم توسعهٔ زیرساخت‌های لازم به‌وضوح پیداست که شکل‌گیری آموزش آنلاین غیرممکن خواهد بود؛ زیرا سطوح میانی و خرد کنشگری در حوزهٔ آموزش در نسبت با آن می‌توانند به‌صورت هدفمند سازمان‌دهی شوند. این نتیجه که توسعهٔ آموزش آنلاین به دنبال رشد و توسعهٔ زیرساخت‌های تکنولوژیکی صورت می‌گیرد، یکی از نتایجی است که با نتایج پژوهشی علی‌مردانی و اسدی (۱۴۰۱)، کرمدار اسرمی و همکاران (۱۴۰۰)، رحیمی و عاطفی بروجنی (۲۰۲۲)، قریشی و همکاران (۱۴۰۰)، ماچوسکی و هربرت برگر (۲۰۲۲)، گراد و همکاران (۲۰۲۱) به‌دلیل تأکید بر الزامات تکنولوژیک و رشد زیرساخت‌های لازم برای توسعهٔ مثبت آموزش آنلاین همسو است. در کنار تأثیر مداخله‌گر امور زیرساختی، مطلوبیت امکانات اپلیکیشن‌های آموزشی نیز می‌تواند تأثیر دوگانهٔ خود را در رشد و توسعهٔ آموزش آنلاین ایفا کند. از یک سو مطلوبیت اپلیکیشن‌های

آنلاین، آموزش را به‌طور چشمگیری تسهیل می‌کند و از سوی دیگر عدم توفیق در توسعهٔ اپلیکیشن‌های آموزشی، هدفمندی دیگر سطوح کنشی در حوزهٔ آموزش را بی‌معنا جلوه می‌دهد؛ زیرا ابزار لازم برای دسترسی به اهداف آموزشی خود را نخواهند داشت. این موضوع به‌خصوص در سطوح خرد و میانی کنشی بیشتر خود را آشکار خواهد کرد. نتایج این بخش از تحقیق با یافتهٔ علی‌مردانی و اسدی (۱۴۰۱) مبنی بر تأکید بر زیرساخت‌های نرم‌افزاری برای توسعهٔ آموزش آنلاین همسو است.

پس از شکل‌گیری آموزش آنلاین می‌توان پویایی‌های حاکم بر آن را مشاهده کرد. پویایی مذکور عمدتاً به شکل مجموعه‌ای از راهبرد خود را نشان می‌دهد. در سطح ابتدایی، این پویایی شامل خلاقیت و ارتباط در امور آموزشی است. در این معنا هم کنش‌های ارتباطی در فضای آنلاین شکل خواهد گرفت که معطوف به تفهیم است و هم کنش‌هایی که کاملاً به شکل خلاقانه با هدف رشد و توسعهٔ دانش فردی خود را نشان خواهد داد. به همین دلیل شکل‌گیری آموزش آنلاین، هم فراهم‌آورنده و گسترش‌دهندهٔ کنش‌های ارتباطی دانش‌آموزان با معلمان است و هم ایجادکنندهٔ محیطی پویا برای خلاقیت معلمان و دانش‌آموزان خواهد بود. این راهبردهای کنشی در شکل‌گیری آموزش به ایجاد ارتباط و خلاقیت محدود نمی‌شود، بلکه همواره در یک محیط پویای آموزشی می‌توان شاهد رقابت آنلاین آموزشی نیز به‌عنوان امری گریزناپذیر بود. رقابت مذکور، هم در میان معلمان و هم در میان دانش‌آموزان قابل‌رؤیت است. اما باید در نظر داشت که ذات پویای آموزش آنلاین و رقابت‌پذیری آزادانه در آن، محیط مذکور را به شکل بازاری جلوه خواهد کرد که تمامی سطوح آن منطبق بر منطق بازار خواهد بود. در این معنا آموزش نیز چارچوبی منطقی و سودمحور خواهد داشت.

گیدنز در بحث از جاکندگی بیان می‌کند که یکی از انواع از جاکندگی، از جاکندگی نمادین است که نمود آن را می‌توان در پول دید. براین‌اساس دستیابی به سود و پول، فاصله‌گیری زمانی و مکانی را امکان‌پذیر می‌کند و افراد می‌توانند با کسانی که در فاصلهٔ بسیار دورتر از ما قرار دارند، معاملاتی انجام دهند، هرچند آن معامله و مبادله سوگیری آموزش‌محور داشته باشد. این نتیجه در بستر پژوهش حاضر به‌دست آمده و با هیچ‌یک از نتایج تحقیقات پیشین همسو یا متناقض نیست.

پس از ارائهٔ راهبردهای لازم حول محور سازمان‌دهی آموزش آنلاین می‌توان سه پیامد نهایی را که از دل توسعهٔ آموزش آنلاین در بستر پلتفرم‌های آموزشی ایجاد شده‌اند شناسایی کرد. در نگاه اول می‌توان تمرکززدایی فزاینده در آموزش را مشاهده کرد. اگر آموزش دوران مدرن به‌واسطهٔ نظم بنیادین و تمرکزگرایی شدید شناخته می‌شد، در دوران پست‌مدرن شاهد تمرکززدایی فزایندهٔ مکانی در آموزش هستیم؛ به شکلی که افراد صرفاً به مراجع آموزش رسمی تکیه نمی‌کنند. در این معنا مدارس نامتمرکز و فرامکان هستند، معلمان متکثر هستند، روش‌های آموزش از دایرهٔ سیستم‌های رسمی خارج می‌شود و در حیطهٔ اختیارات فردی قرار می‌گیرد، استقلال از سازمان‌های رسمی رشد می‌کند و آموزش آنلاین به‌عنوان امری پویا در حال توسعه و تکامل خواهد بود. تمرکززدایی از آموزش و گسترده‌شدن آن در پهنهٔ زمانی و مکانی را می‌توان براساس نظریهٔ گیدنز تحلیل کرد. از جاکندگی در نظر گیدنز مستلزم جدایی روابط اجتماعی از محیط‌های محلی کنش‌های متقابل و تجدید ساختار آن در راستای پهنه‌های زمانی-مکانی نامشخص است. آموزش آنلاین در بستر پلتفرم‌ها نیز تجدید ساختار روابط اجتماعی معلمان با دانش‌آموزان پهنه‌های زمانی و مکانی است.

تکامل آموزش آنلاین براساس نظریهٔ انتشار نوآوری اورت راجرز (رحیمی، ۲۰۲۲)، مزیت‌های نسبی این نوع آموزش را گوشزد می‌کند و یادآور می‌شود که با توسعهٔ فناوری در طول زمان، آموزش آنلاین واجد ارزش برای سرمایه‌گذاری است و می‌تواند یکی از مهم‌ترین محورهای توسعهٔ آموزشی تلقی شود. با وجود این می‌توان پتانسیل‌های آموزش آنلاین را در این بسترهای جدید به‌قدری فراوان دانست که به‌صورت نامحدود افراد را پشتیبانی کند. در این میان براساس اصل مشاهده‌پذیری در نظریهٔ انتشار نوآوری، می‌توان نتایج مثبتی را که آموزش آنلاین دارد مشاهده و ارزیابی کرد. به اعتبار این برداشت باید گفت به‌واسطهٔ تمرکززدایی، تکامل‌یافتگی و نامحدودیت در این نوع آموزش، هم می‌توان مزیت‌های نسبی آن را شناخت، هم آن را مطابق با فرهنگ و ارزش‌های خاص یک

جامعه سازمان دهی کرد، هم پیچیدگی‌های حاکم بر آن را شناخت و بر آن فائق آمد، هم نتایج خوب یا بد آن را ارزیابی کرد و هم می‌توان به‌واسطهٔ آزمایش‌پذیری‌اش بیشتر آن را در اختیار افراد قرار داد.

مأخذ مقاله: مستخرج از پایان‌نامهٔ دورهٔ دکتری نویسندهٔ اول با عنوان «ارائهٔ الگوی تعامل اپلیکیشن‌های آنلاین در توسعهٔ خدمات آموزشی»، رشتهٔ مدیریت رسانه، دانشکدهٔ علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

استراوس، انسلم، و کوربین، جولیت (۱۳۹۷). *مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریهٔ زمینه‌ای*. ترجمهٔ ابراهیم افشار. تهران: نشرنی. افشانی، سید علیرضا، روحانی، علی، و ابراهیمی‌نیا، سعیده (۱۳۹۷). *برساخت اجتماعی اسطورهٔ زن زیبا، کاوشی زمینه‌مند از بدن زیبا تا مخاطرات بدنی در میان زنان طبقهٔ متوسط شهر مشهد*. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۷(۲)، ۳۱۱-۳۳۹.

<https://doi.org/10.22059/jisr.2018.251539.641>

آرون، ریمون (۱۳۹۰). *مراحل اساسی سیراندیشه در جامعه‌شناسی*. ترجمهٔ باقر پرهام. تهران: علمی و فرهنگی.

حسینی‌خواه، علی (۱۳۸۷). *بررسی نظریهٔ انتشار نوآوری در حوزهٔ آموزش*. *نوآوری‌های آموزشی*، ۲۶(۷)، ۱۵۱-۱۸۰.

ربانی خوراسگانی، علی، و کیانپور، مسعود (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی احساسات، جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲(۲۰)، ۳۵-۶۴.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.20085745.1388.20.2.2.6>

ریتزر، جورج (۱۳۹۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمهٔ محسن ثلاثی. تهران: علمی.

سراجی، فرهاد، عباسی کسان، حامد، آقازاده، سلماز، شریفی، سعید، و بختیاری، رسول (۱۴۰۰). *چالش‌های یادگیری آنلاین در آموزش عالی در دوران کووید-۱۹*. *مجلهٔ ایرانی آموزش از دور*، ۳(۲)، ۱۶-۳۱. <https://doi.org/10.30473/idej.2022.63811.1100>

سلمان روغنی، فاطمه، افشانی، سید علیرضا، اسلامی، حسین، روحانی، علی، و نایب‌زاده، شهناز (۱۴۰۰). *تسهیل‌کننده‌ها و پیامدهای زندگی شبکه‌ای جوانان: ارائهٔ یک نظریهٔ زمینه‌ای*. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۰(۴)، ۱۲۰۵-۱۲۳۵.

<https://doi.org/10.22059/jisr.2021.298430.1035>

علیمردانی، زهره، و اسدی، محمد (۱۴۰۱). *الگوی داده‌بنیاد راهبردهای بهبود آموزش آنلاین در دوران پاندمی کووید-۱۹*. *نشریهٔ پژوهش پرستاری ایران*، ۱۷(۳)، ۶۷-۸۶. <http://dx.doi.org/https://doi.org/10.22034/IJNR.17.3.67>

قریشی، سما، فاطمی، سید امید، و شاطرزاده یزدی، زهرا (۱۴۰۰). *بررسی چالش‌ها و پیشنهادات دانشجویان مهندسی دانشگاه تهران در رابطه با یادگیری برخط در دوران بحران کرونا: پژوهش آمیخته*. *مجلهٔ ایرانی آموزش از دور*، ۴(۱)، ۱۱۱-۱۲۵.

<https://doi.org/10.30473/idej.2022.65415.1122>

کرمدار اسرمی، علی، فرداسرمی، رضا، سعیدی، محمد، و ابراهیمی درویشانی، علی‌اکبر (۱۴۰۰). *شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر در ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان به‌منظور شرکت در آموزش آنلاین در دوران پاندمی کرونا*. *پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و علوم انسانی*، ۲(۲)، ۹۷-۱۰۹.

<https://elmnet.ir/doc/2462413-62178>

کیانپور، مسعود (۱۳۹۱). *تجارب مدیریت احساسات در نظام مراقبت‌های پزشکی: مطالعهٔ موردی شهر تورتو*. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۳(۱۰)، ۲۵-۵۲. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20085745.1391.23.4.2.1>

وبر، ماکس (۱۳۹۰). *دانشمند و سیاست‌مدار*. ترجمهٔ احمد نقیب‌زاده. تهران: علمی.

هاشم‌نیا، شهرام، آگاه هریس، مژگان، دوستی، اکرم، رزقی شیرسوار، هادی، و سالمی، نیکا (۱۴۰۰). *شناسایی و واکاوی الزامات کلان آموزش آنلاین در آموزش عالی با تأکید بر اثر پاندمی کرونا*. *مجلهٔ ایرانی آموزش از دور*، ۳(۱)، ۳۱-۳۸.

<https://doi.org/10.30473/idej.2022.62292.1079>

- Adnan, M., & Anwar, K. (2020). Online Learning amid the COVID-19 Pandemic: Students' Perspectives. *Online Submission*, 2(1), 45-51. <https://doi.org/10.33902/JPSP.%202020261309>
- Afshani, S. A. R., Ruhani, A., & Ebrahimi, S. (2018). Subliminal Exploration from Beautiful Body to Physical Hazards among Middle-Class Women in Mashhad. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 7(2), 311-339. <https://doi.org/10.22059/jjsr.2018.251539.641> (In Persian)
- Alimardani, Z., & Asadi, M. (2022). Grounded model for online education improvement strategies during the Covid-19 pandemic. *IJNR*, 17(3), 67-86. <http://dx.doi.org/https://doi.org/10.22034/IJNR.17.3.67> (In Persian)
- Alsubaie, M. N. (2023). Predicting student performance using machine learning to enhance the quality assurance of online training via Maharat platform. *Alexandria Engineering Journal*, 69, 323-339. <https://doi.org/10.1016/j.aej.2023.02.004>
- Aron, R. (2012). *Main Currents in Sociological Thought*. Translated by: B. Parham. Tehran: Elmi Farhang. (In Persian)
- Azorín, C., & Fullan, M. (2022). Leading new, deeper forms of collaborative cultures: Questions and pathways. *Journal of Educational Change*, 23(1), 131-143. <https://link.springer.com/article/10.1007/s10833-021-09448-w>
- Basar, Z. M., Mansor, A. N., Jamaludin, K. A., & Alias, B. S. (2021). The effectiveness and challenges of online learning for secondary school students—A case study. *Asian Journal of University Education*, 17(3), 119-129. <http://dx.doi.org/10.24191/ajue.v17i3.14514>
- de Ruiter, J. A., Poorthuis, A. M., & Koomen, H. M. (2021). Teachers' emotional labor in response to daily events with individual students: The role of teacher-student relationship quality. *Teaching and Teacher Education*, 107(21), 1-12. <https://doi.org/10.1016/j.tate.2021.103467>
- Garad, A., Al-Ansi, A. M., & Qamari, I. N. (2021). The role of e-learning infrastructure and cognitive competence in distance learning effectiveness during the covid-19 pandemic. *Jurnal Cakrawala Pendidikan*, 40(1), 81-91. <http://dx.doi.org/10.21831/cp.v40i1.33474>
- Ghoreyshi, S., Fatemi, S. O., & Shaterzadeh-Yazdi, Z. (2022). Investigating the Challenges of Engineering Students at the University of Tehran in Regard to Online Learning During COVID-19 Crisis: A Mixed Study. *Quarterly of Iranian Distance Education Journal*, 4(1), 111-125. <https://doi.org/10.30473/idej.2022.65415.1122> (In Persian)
- Gilbert, B. (2015). Online learning revealing the benefits and challenges. pp 1-32.
- Grammens, M., Voet, M., Vanderlinde, R., Declercq, L., & De Wever, B. (2022). A systematic review of teacher roles and competences for teaching synchronously online through videoconferencing technology. *Educational Research Review*, 100461. <https://doi.org/10.1016/j.edurev.2022.100461>
- Hashemnia, S., Agahheris, M., Dousti, A., Shirsavar, H. R., & Salami, N. (2021). Identify and analyze the macro requirements of online education in higher education with emphasis on the corona pandemic effect. *Quarterly of Iranian Distance Education Journal*, 3(1), 31-38. <https://doi.org/10.30473/idej.2022.62292.1079>
- Hashemniya, S., Agahheris, M., Dousti, A., Rezaghi Shirsavar, H., & Salami, N. (2021). Identify and analyze the macro requirements of online education in higher education with emphasis on the corona pandemic effect. *Quarterly of Iranian Distance Education Journal*, 3(1), 31-38. <https://doi.org/10.30473/idej.2022.62292.1079> (In Persian)
- Hochschild, A. R. (1983). *The Managed Heart: Commercialization of Human Feeling*. Berkeley, CA: University of California Press.
- Hosseinikhah, A. (2008). Examining the theory of diffusion of innovation in the field of education. *Educational Innovations*, 26(7), 151-180. (In Persian)
- Karamdar Asrami, A., Fardasrami, R., Saidi, M., & Ebrahimi Darvishani, A. (2021). Identifying and prioritizing effective factors in motivating students to participate in online education during the corona pandemic. *Applied Research in Management And Humanities*, 2(2), 97-109. <https://j.armh.ir/> (In Persian)
- Khazaeezhad, B., & Yaseri Zare, S. (2023). The Pros and Cons of Online Education: Iranian Language Teachers and Learners Perspectives. *Journal of Foreign Language Teaching and Translation Studies*, 2(3) 1-22. <https://doi.org/10.22034/EFL.2023.342881.1167>

- Kianpour, M. (2013). Experiences of Emotion Management in Medical Care (Case Study: Toronto). *Journal of Applied Sociology*, 23(4), 25-52. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20085745.1391.23.4.2.1> (In Persian)
- King, K. P. (2002). Identifying success in online teacher education and professional development. *The Internet and Higher Education*, 5(3), 231-246. [https://doi.org/10.1016/S1096-7516\(02\)00104-5](https://doi.org/10.1016/S1096-7516(02)00104-5)
- Machusky, J. A., & Herbert-Berger, K. G. (2022). Understanding online learning infrastructure in US K-12 schools: A review of challenges and emerging trends. *International Journal of Educational Research*, 114(20), 1-1. <http://dx.doi.org/10.1016/j.ijer.2022.101993>
- Money, W. H., & Dean, B. P. (2019). Incorporating student population differences for effective online education: A content-based review and integrative model. *Computers & Education*, 138, 57-82. <http://dx.doi.org/10.1016/j.compedu.2019.03.013>
- Murtagh, E. M., Calderón, A., Scanlon, D., & MacPhail, A. (2023). Online teaching and learning in physical education teacher education: A mixed studies review of literature. *European Physical Education Review*, 29(3), 369-388. <https://doi.org/10.1177/1356336X231155793>
- Najib, H. M., Bakar, N. R. A., & Othman, N. (2017). E-Pembelajaran Dalam Kalangan Pelajar di Sebuah Institusi Pengajian Tinggi Selangor: E-Learning Among Students of Higher Education Institutions in Selangor. *Attarbawiy: Malaysian Online Journal of Education*, 1(1), 74-82. <https://doi.org/10.53840/attarbawiy.v1i1.121>
- Rabbani Khorasghani, A., & Kianpour, M. (2009). The Sociology of Emotions. *Journal of Applied Sociology*, 20(2), 35-64. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20085745.1388.20.2.2.6> (In Persian)
- Rahimi, A. R., & Atefi Boroujeni, S. (2022). Determinants of Online Platform Diffusion during COVID-19: Insights from EFL Teachers' Perspectives. *Journal of Foreign Language Teaching and Translation Studies*, 7(4), 111-136. <https://doi.org/10.22034/efl.2022.367023.1204>
- Ritzer, George. (2016). *Contemporary Sociological Theory*. Translated by: M. Salassi. Tehran: Elmi Farhangi. (In Persian)
- Salmanroghani, F., Afshani, S., Eslami, H., Ruhani, A., & Nayebzadeh, S. (2021). Facilitators and consequences of youths' Networked Life, Presenting a grounded theory. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 10(4), 1205-1235. <https://doi.org/10.22059/jisr.2021.298430.1035> (In Persian)
- Seraji, F., Abbasi Kasani, H., Aghazadeh, S., Sharifi Rahnamoo, S., & Bakhtiari, R. (2021). Online-only Learning Challenges in Higher Education in COVID-19 Era: A Research Synthesis. *Quarterly of Iranian Distance Education Journal*, 3(2), 16-31. <https://doi.org/10.30473/idej.2022.63811.1100> (In Persian)
- Seraji, F., Kasani, H. A., Aghazadeh, S., Rahnamoo, S. S., & Bakhtiari, R. (2021). Online-only learning challenges in higher education in COVID-19 era: A research synthesis. *Quarterly of Iranian Distance Education Journal*, 3(2), 16-31. <https://doi.org/10.30473/idej.2022.63811.1100>
- Sidi, Y., Shamir-Inbal, T., & Eshet-Alkalai, Y. (2023). From face-to-face to online: Teachers' perceived experiences in online distance teaching during the Covid-19 pandemic. *Computers & Education*, 201, 104831. <https://doi.org/10.1016/j.compedu.2023.104831>
- Strauss, A. & Corbin, J. (2019). *Basics of qualitative research, techniques and stages of producing grounded theory*. Translated by: E. Afshar. Tehran: Ney. (In Persian)
- Suminar, J. R., & Trisyani, M. (2012). Online course: media empowering in education process. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 67, 203-207. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.11.322>
- Weber, M (2018). *Scientist and Politician*. Translated by: A. Naqibzadeh. Tehran: Elmi. (In Persian)
- Wu, Y., Xu, X., Xue, J., & Hu, P. (2023). A cross-group comparison study of the effect of interaction on satisfaction in online learning: The parallel mediating role of academic emotions and self-regulated learning. *Computers & Education*, 199, 104776. <https://doi.org/10.1016/j.compedu.2023.104776>